

امکان‌سنجی، روش و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی اسلام

مهردی خطيبي*

استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

m.khatibi@iki.ac.ir

چکیده

یکی از مسائل بنیادی شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی حل مسائل روش‌شناختی آن است. تحقیق حاضر با هدف کمک به حرکت علمی شکل‌گرفته در راستای اسلامی‌سازی علوم انسانی به دنبال امکان‌سنجی، روش و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی است. نتایج تحقیق که به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده است، نشان می‌دهد امکان استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی وجود دارد و اگر پژوهشگر به اجتهاد مصطلح حوزوی مسلط بوده و در یکی از رشته‌های علوم انسانی تخصص داشته باشد، می‌تواند با حفظ اصول و مبانی روش فقه جواهری گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی را از احکام تشریعی استنباط کند. اساس این استنباط مبتنی بر حدس است و با تجمیع قرائت و ترک مظنون درجه اطمینان به مفاد حدس ارتفا می‌یابد. در پایان نیز چند نمونه از گزاره‌های استنباط‌شده با روش مذبور ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی اسلامی، احکام تشریعی، استنباط، گزاره‌های توصیفی، گزاره‌های هنجاری، اسلامی‌سازی علوم.

بیان مسئله

علوم انسانی در تعریفی ساده عبارت است از علومی که با فکر و اندیشه انسان سروکار دارد؛ یعنی متعلق این علوم با فکر و اندیشه انسان مرتبط است (مصطفایی‌یزدی، ۱۳۸۷، ص ۷۷). در تعریف دیگری گفته شده علوم انسانی رفتاری و اجتماعی تحقق‌یافته مجموعه گزاره‌های نظاممندی است که با بهره‌گیری از روش‌های تجربی و غیرتجربی و مبانی فلسفی و مکتبی به تبیین یا تفسیر رفتارهای فردی و اجتماعی انسان تحقیق‌یافته پرداخته است (خسروپناه، ۱۳۹۴، ص ۱۹).

یکی از مباحث دامنه‌دار در بررسی درجه دوم علوم انسانی پذیرفتن یا نپذیرفتن گزاره‌های هنجاری به منزله بخشی از علم است. برخی اندیشمندان غربی علوم انسانی را مانند علوم طبیعی تهی از هرگونه گزاره هنجاری می‌دانند و معتقدند علوم انسانی مانند علوم طبیعی تنها به توصیف واقعیت‌های موجود درباره انسان می‌پردازد و هرگونه قضاوت در مورد خوبی یا بدی در این باره خارج از ماهیت دانشی آن است. این موضوع هم در میان فلاسفه مطرح بوده و هم در فلسفه اخلاق درباره آن بحث شده است. لایه‌هایی از آن نیز در کلام اسلامی و اصول فقه مشاهده می‌شود؛ آنجا که عدیله برخلاف اشاعره از حسن و قبح عقلی سخن می‌گویند و اصولی‌ها نیز به تبع آن از مصالح و مفاسد به منزله حیثیت تعليکی احکام تشریعی بحث می‌کنند.

حق مطلب آن است که علوم انسانی هم جنبه توصیفی دارند و هم جنبه توصیه‌ای و این گونه نیست که صرف توصیف باشند؛ حتی آن‌ها که در علوم انسانی رویکرد اثبات‌گرایی دارند، در کنار توصیف و نظریه‌پردازی، توصیه‌هایی نیز ارائه می‌کنند؛ برای مثال پوپر با گرایش نئوپوزیتویستی در کتاب جامعه باز و دشمنان آن هم به توصیف انسان در جامعه باز و نقد جامعه بسته پرداخته است و هم در مقابل جامعه بسته توصیه‌هایی دارد. همچنین نظریه‌های انقلاب در علوم سیاسی به توصیف انقلاب‌های جهان مانند انقلاب ایران، چین، فرانسه و روسیه می‌پردازند و راهکارهای پیدايش انقلاب را توصیه می‌کنند (همان، ص ۱۶).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و مطرح شدن لزوم اسلامی‌سازی علوم انسانی یا به تعبیر دقیق‌تر لزوم تدوین علوم انسانی اسلامی بحث‌ها درباره امکان، روش و شرایط آن محل گفت‌وگوی اندیشمندان حوزه و دانشگاه قرار گرفت. بسیاری از اندیشمندان مسلمان درباره مفهوم شناسی علم دینی اقدام به تألیف کتاب کردند و به نقض و ابرام دیدگاه مخالفان پرداختند. در تحقیق حاضر یک گام جلوتر رفته و به دنبال بررسی امکان، روش و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی هستیم.

روشن است که منظور از احکام تشریعی همان است که دانش فقه عهده‌دار استنباط آن از ادلّه

اربعه است. رویکرد اصلی فقه جهتدهی به رفتار فردی و اجتماعی مکلفان در چارچوب شریعت به شمار می‌آید؛ بنابراین هم موضوع علوم انسانی رفتار انسان است و هم موضوع دانش فقه فعل مکلف. حال باید دید با وجود این قدر مشترک آیا می‌توان گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی را از احکام تشریعی اسلام استنباط کرد.

پیشینهٔ پژوهش

تحقیقی که به صورت مستقیم امکان و شرایط استنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی از احکام تشریعی را بررسی کرده باشد، یافت نشد، اما تحقیقات مرتبطی در این زمینه وجود دارد که به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. شهید صدر (۱۴۲۴) در کتاب اقتصادناروشنی را برای کشف نظریات اقتصادی از احکام شرعی بنا نهاده است. از نگاه او احکام شرعی به ظاهر متثبت و پراکنده، روشنی شریعت هستند و بر نظریاتی استوارند که حکم زیربنا را دارند؛ بنابراین محققان و پژوهشگران باید به دنبال نظریه‌های زیربنایی باشند.
۲. خالد غفوری (۱۴۲۱) فقه النظریه از منظر شهید صدر را تبیین کرده و مسئله حجیت روش شهید صدر را اثبات کرده است. تحقیق مزبور می‌تواند در اثبات حجیت استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی استفاده شود.
۳. محسن جوادی (۱۳۷۵) در کتاب مسئله باید و هست درباره رابطه ارزش و واقع به صورت مستوفا بحث کرده است که می‌تواند برای اثبات امکان استنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی از احکام شرعی مفید باشد.
۴. عبدالحسین خسروپناه (۱۳۹۴) در مقاله «علوم انسانی، چیستی، ساحت‌ها و فرایندهای تحول در آن» برخی از مبانی و پیش‌فرض‌های تحقیق حاضر را مطرح کرده است.

نزاع توصیفی و هنجاری (باید و هست)

جداگردن مقولات اخلاقی از تحلیل علمی از زمان کانتیون گزارش شد و به تدریج به علوم اجتماعی ورود کرد؛ برای مثال اولین باری که مقوله اثباتی و دستوری به طور جدی وارد اقتصاد شد، در زمان هیوم و سنیور بود. اوج مرحله اول نیز در زمان جان نویل کینز بود (دادگر، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴). دیوید هیوم در رساله ماهیت انسان این قضیه را مطرح کرد که «باید» را نمی‌توان از «هست» استنتاج کرد. او معتقد بود گزاره‌های توصیفی تنها مبتنی بر واقع هستند و هرگز نمی‌توانند هنجارها،

گفته‌های اخلاقی یا دستور به انجام کاری را معین کنند. اصطلاح «کیوتین هیوم» نیز به همین قضیه اشاره دارد (بلاغ، ۱۳۸۰، ص ۱۷۰). برخی صاحب‌نظران تفکیک بین هنجاری و توصیفی را در حد مرزی میان دو شاخه از یک علم قبول دارند، اما برخی دیگر مباحث هنجاری را اصولاً غیرعلمی تلقی می‌کنند (مکلاب، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲).

تحقیق حاضر که به دنبال امکان‌سنجی، روش و شرایط استیباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی است، آمیختگی «هست» و «باید» را مفروض گرفته و آن را در حوزه‌ای خاص یعنی احکام تشریعی بررسی کرده است.

صورت‌های متصور رابطه احکام تشریعی و گزاره‌های توصیفی و هنجاری رابطه احکام تشریعی و گزاره‌های توصیفی به سه صورت می‌شوند:

صورت اول: رابطه احکام تشریعی و گزاره‌های مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی
بحث تبعیت احکام از مصالح و مفاسد که در علم اصول مطرح شده، به‌نوعی مرتبط با بحث رابطه احکام تشریعی و گزاره‌های توصیفی است (بدری، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۱). ادعا می‌شود مصالح و مفاسدی وجود دارند که احکام تشریعی برای استیفای آن‌ها مصالح یا دفع آن مفاسد جعل شده‌اند. آن مصالح و مفاسد از جنس هست و نیست‌ها هستند و بین احکام تشریعی و آن‌ها ضرورت بالقياس وجود دارد.

صورت دوم: رابطه احکام تشریعی و گزاره‌های مبتنی بر آثار واقعی تجربه‌شدنی و مترب براحتی شرعی

برخی احکام تشریعی آزمون پذیرند و با بررسی تجربی آن‌ها می‌توان به گزاره‌هایی توصیفی دست یافت که مترب بر آن‌هاست؛ برای مثال روایاتی که استحباب یا حرمت خوردن برخی چیزها را بیان کرده‌اند، قابلیت آزمون تجربی دارند و می‌توان براساس نتایج حاصل از بررسی بالینی آن‌ها گزاره‌های توصیفی مربوط به این روایات را به دست آورد؛ برای مثال در روایات، خوردن نمک قبل و بعد از غذا توصیه شده است و بر همین اساس فقهاء آن را مستحب شمرده‌اند. پژوهشگر اسلامی نیز می‌تواند با بررسی تجربی این دستورالعمل طبی گزاره‌های توصیفی مرتبط با آن را به دست آورد. درباره روزه و تأثیر آن بر سلامتی نیز همین گونه است. حدیث «صُومُوا تَصِحُّوا» (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۴۲ راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۷۶؛ احسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۶۸) در منابع روایی

وارد شده و گزاره‌ای تجویزی است. پژوهشگر اسلامی می‌تواند با انجام پژوهش بالینی گزاره‌های توصیفی جزئی تری درباره تأثیر روزه بر سلامتی به دست آورد (ابراهیمی و جهانی‌مقدم، ۱۳۷۹؛ صدر، سربلوکی و افشار، ۱۳۸۰).

همچنان‌که حرمت شرب خمر نیز به همین‌گونه تجربه‌پذیر است (بهمن‌پوری و نظری، ۱۳۹۷، ۶۱). درباره احکام اطعمه و اشربه که به تفصیل در کتب فقهی وارد شده نیز می‌توان به کمک تجربه و آزمون، گزاره‌های توصیفی فراوانی به دست آورد. احکام و آداب زناشویی و همچنین مسائل تربیتی خانواده و فرزندان نیز قابلیت آزمون دارند و تجربه‌پذیر هستند. در این میان پژوهشگر اسلامی می‌تواند با بررسی میدانی و بالینی، گزاره‌های توصیفی مترتب بر این سنخ از احکام تشریعی را به دست بیاورد.

صورت سوم: رابطه احکام تشریعی و گزاره‌های علوم انسانی مبتنی بر دلالت التزامی احکام تشریعی

صورت سوم از رابطه احکام تشریعی و گزاره‌های توصیفی مبتنی بر دلالت التزامی احکام تشریعی بر گزاره‌های توصیفی است. چنانچه این سنخ از رابطه کشف شود، از سنخ استنباط و مربوط به دلالت ادله است. موضوع اصلی تحقیق حاضر امکان‌سنجدی کشف این سنخ از رابطه میان احکام تشریعی، گزاره‌های توصیفی و سپس روش‌شناسی آن است. در ادامه امکان استنباط چنین گزاره‌هایی را از احکام تشریعی بیان کرده‌ایم.

امکان‌سنجدی استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی
مرور اجمالی آموزه‌های اسلام نشان می‌دهد نقش این دین در مدیریت زندگی بشر، ایجابی است نه سلبی؛ یعنی دین اسلام برای زندگی بشر برنامه دارد و این‌گونه نیست که برنامه‌ریزی را صد درصد به او واگذار کرده و خود تنها به بیان محدودیت‌ها اکتفا کرده باشد (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۳۲).

دین اسلام به برنامه‌ریزی کلی برای اداره حیات فردی و اجتماعی انسان همت گمارده است و در این میان، شارع مقدس در این زمینه چارچوب کلی را طراحی کرده است. نقش انسان در طرح و برنامه‌ریزی نیز به صورت موجبه جزئیه در محدوده‌های خاصی است؛ یعنی نقش دین در اداره جامعه، نقشی ایجابی است؛ از همین‌رو در عرصه اقتصاد نیز که یکی از جلوه‌های مهم حیات اجتماعی بشر است، دین وارد عرصه شده و برنامه‌ریزی کرده است. از جمله شواهد این ادعا، وجود انبوهی از معارف قرآنی و حدیثی در ابواب مختلف زندگی دنیوی بشر و روش پیامبر (ص)

و امیرالمؤمنین (ع) در ساختارسازی و اداره جامعه براساس آن ساختارهای است. درست بر همین اساس شهید صدر کتاب اسلام یقود الحیاۃ را تدوین کرد و کوشید تا فراخور نیازهای فرهنگی و فکری جامعه اسلامی و در سایه حاکمیت اسلام، پاسخی درخور به این نیازها ارائه دهد. ایشان در این مباحث که شامل شش رساله است، اجمالی از مسائل مهم را که امت اسلامی پس از پیروزی انقلاب و به دست گرفتن حکومت با آن رو ببرو بوده، بیان کرده است.

حاصل آنکه شارع مقدس دین را تنها برای تحصیل سعادت اخروی نفرستاده و تنظیم زندگی مادی بشر را نیز مدنظر داشته است؛ از همین‌رو اگر کسی ادعا کند دین اسلام به مسائل علوم انسانی که بیشتر ناظر به حیات مادی انسانی است، عنایت داشته، سخن بی‌جایی نگفته است، اما مشکل عمدۀ، کشف دیدگاه‌های صاحب شریعت در عرصه‌های گوناگون علوم انسانی است؛ زیرا مسائل علوم انسانی و بهویژه نظریه‌ها به صراحت بیان نشده و بیشتر احکام شرعی مرتبط با رفتار فردی و اجتماعی مکلفان بیان شده‌اند. شاید این رویکرد بدان دلیل بوده که مخاطبان، بیشتر نیازمند آگاهی از قوانین و چارچوب‌های مرتبط با رفتار و عمل خود بوده‌اند و تمایل چندانی به دانستن نظریات پشتیبان احکام نداشته‌اند، اما این دلیل نمی‌شود که احکام شرعی نظریه‌پشتیبان نداشته باشند. به اعتقاد شهید صدر احکام شرعی که در لسان پیامبر و ائمه اطهار بیان می‌شده‌اند، روبنای شریعت هستند و زیربنای آن‌ها نظریاتی است که معمولاً تصریح نشده‌اند (صدر، ۱۴۲۴، ص ۴۶۳).

به اعتقاد شهید صدر احکام به ظاهر متشتت و پراکنده روبنای شریعت هستند و نظریات پشتیبان که همچون تار و پود احکام شرعی را به هم پیوند می‌دهند و باعث می‌شوند وحدت و انسجامی بین آن‌ها برقرار شود، زیربنای شریعت هستند. اگرچه در ظاهر به این نظریات تصریح نشده، این امکان وجود دارد که با طراحی روشی معتبر بتوان نظریات مذبور را کشف کرد. به اعتقاد شهید صدر پیامبر اسلام (ص) این نظریات پشتیبان را در خلال تطبیق بر احکام و حقوق بیان می‌فرمود و وضعیت و قرایین حالیه و مقالیه به‌گونه‌ای بود که مخاطبان به صورت اجمالی و ارتکازی مفاد آن را درک می‌کردند (صدر، ۱۴۲۱ ق، ص ۴۰)؛ البته دوری ما از شرایط حالی و مقالی زمان صدور، درک نظریه را برای ما مشکل کرده است. وی در ادامه، مثال جالبی بیان می‌کند که برای فهم مطلب، بسیار راهگشاست. او می‌گوید: انسان‌ها از کودکی بدون آنکه ابتدا قواعد زبان را بیاموزند، سخن‌گفتن را می‌آموزند. آن‌ها به تفصیل از آن قواعد اطلاعی ندارند، اما در عمل به صورت ارتکازی آن را به کار می‌برند؛ بنابراین هر کودکی که سخن‌گفتن را آموخته باشد، به صورت اجمالی و ارتکازی به قواعد دستوری زبان نیز آگاهی دارد؛ اگرچه این قواعد به صراحت

به هیچ کودکی آموزش داده نمی‌شود (همان)؛ بر همین اساس می‌توان ادعا کرد در صورت تحلیل احکام تشریعی و دستیابی به نظریات پشتیبان آن‌ها می‌توان گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی را استباط کرد.

شرط لازم برای استباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی ۱. اجتهاد مصطلح حوزوی (سلط بر روش فقه جواهری)

سلط بر دانش فقه و اصول نخستین شرط موققیت در استباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی است. پژوهشگر باید مجتهد باشد؛ البته اجتهاد متجزی در ابوابی که مرتبط با یکی از رشته‌های علوم انسانی است، کفایت می‌کند؛ برای مثال پژوهشگری که به دنبال استباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری دانش اقتصاد از احکام تشریعی است، باید در ابواب معاملات بالمعنی شخص مجتهد باشد.

لزوم احراز مرتبه اجتهاد برای استباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری بدان دلیل است که در هر استباطی از منابع دینی یک انتساب به شارع مقدس وجود دارد؛ بنابراین کسی که حائز مرتبه اجتهاد نیست، حق استباط از منابع دینی را در هیچ زمینه‌ای ندارد؛ چه استباط حکم شرعی باشد و چه استباط گزاره توصیفی و هنجاری علوم انسانی. همچنین درک لطائف و ظرایف قرآنی و روایی نیازمند پیش‌نیازهایی مانند اصول، رجال، ادبیات عرب، معانی و بیان، منطق، تفسیر و کلام است (خطیبی، ۱۳۹۶، ص ۸). تحصیل این پیش‌نیازها، مقدمات اجتهاد هستند و با دست‌یابی به آن‌ها شخص حائز رتبه اجتهاد خواهد بود. دلیل اکتفا به درجه اجتهاد متجزی برای استباط گزاره‌های علوم انسانی آن است که هر طالب علمی ممکن است ابتدا در برخی ابواب به ملکه اجتهاد دست یابد و سپس آن را به سایر ابواب تسری دهد. براساس مبانی دانش اصول مجتهد متجزی در ابوابی که تبحر کسب کرده، مجاز به استباط حکم شرعی است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۶۷)؛ بنابراین صلاحیت لازم برای استباط گزاره‌های علوم انسانی مربوط را دارد.

۲. تخصص در یکی از رشته‌های علوم انسانی

نگاه تخصصی به احکام فقهی با نگاه عامیانه کاملاً متفاوت است. فرد غیرمتخصص تنها ظاهر احکام تشریعی را می‌بیند، اما متخصص می‌تواند با لایه‌های پنهان حکمی که مرتبط با رشته تخصصی اش است، ارتباط بگیرد. نگاه یک پژوهشک یا اقتصاددان به یک حکم شرعی مرتبط با حوزه سلامت یا حوزه اقتصاد با نگاه غیر پژوهشک و غیر اقتصاددان متفاوت است؛ بنابراین نباید انتظار

داشت غیرمتخصص در یکی از رشته‌های علوم انسانی توان استنباط گزاره‌های توصیفی آن رشته را از احکام تشریعی داشته باشد. امام خمینی در بحث حیل ربا و اینکه چرا حیله‌ها نمی‌توانند محل ربا باشند، به نگاه متخصصان و درک آن‌ها از لایه‌های پنهان حرمت ربا اشاره کرده و می‌گوید:

«با این سطح از مخالفت که در قرآن و سنت باریا شده به گونه‌ای که کمتر با سایر معاصی در چنین سطحی مخالفتی شده و با وجود مفاسد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ربا که اقتصاددانان بدان اذعان کرده‌اند، چگونه ممکن است با حیله‌های شرعی حلال شود؟ این ابهامی است که در ذهن بسیاری از اندیشمندان وجود دارد و اشکالی است که غیرمسلمانان بر این حکم وارد می‌کنند» (الخمینی، بی‌تا (ب)، ج ۲، ص ۵۴۰).

در مقابل، نگاه غیرمتخصصی به مسئله ربای قرضی می‌تواند حرمت آن را حتی تا سطح تعبدی بالا ببرد (خدادادی، بی‌تا، الف، ج ۱، ص ۲۵۲). این نگاه به حرمت ربا و تعبدی دانستن آن اگر در ربای معاملی پذیرفته شود، در مرور ربای قرضی به هیچ وجه مقبول متخصصان نیست (خطیبی، ۱۳۹۹، ص ۴۵).

روش استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی و مراحل آن

روش استنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی از احکام تشریعی مبتنی بر حدس است. وقتی پژوهشگر با داشتن تخصص در فقه و یکی از رشته‌های علوم انسانی احکام تشریعی را بررسی می‌کند، ممکن است درباره یک یا چند حکم تشریعی، گزاره‌ای توصیفی را که مربوط به علوم انسانی است، حدس بزند. حدسیات یکی از مبادی قیاس است و عبارت است از حرکت بلاواسطه عقل از معلوم به مجھول.

«حدس» به معنای فنی آن در حکمت، در مقابل فکر قرار دارد و به این معناست که ذهن بدون تأمل و سیر و حرکت در میان معلومات، بلاfaciale و به محض طرح مشکل، پاسخ آن را بیابد؛ یعنی اگر در مقام کشف معرف است، بدون درنگ و تأمل به اجزای آن منتقل شود و اگر در مقام کشف دلیل است، بلاfaciale به حد وسط استدلال برسد. حدس به این معنا با حدسی که در السنّه عوام به کار می‌رود و به معنای گمان و احتمال و پنداش بوده، متفاوت است. در مقابل فکر به صورت تدریجی شکل می‌گیرد؛ توضیح آنکه هنگام حل یک مشکل علمی، ما پنج مرحله را پشت سر می‌گذاریم: مواجهه با مشکل، شناخت و تشخیص نوع مشکل، حرکت ذهنی از مشکل به سمت معلومات، حرکت در میان معلومات و حرکت از معلومات به سمت مجھول و حل آن. دو مرحله نخست برای یک کار فکری، از مقدمات آن محسوب می‌شوند و خود، فکر نیستند، اما سه حرکت بعدی

در مجموع «فکر» نامیده می‌شوند و فرایند «تفکر» همین سه مرحله است. فرق دیگر حدس با فکر این است که فکر گاهی در راه دستیابی به مطلوب به خطأ می‌رود، اما حدس همواره صائب است و به خطأ نمی‌رود (صبحاً یزدي، ۱۳۷۳، ص ۶۴).

حدسیات قضایایی هستند که مبدأ حکم حدس نفسانی محسوب می‌شوند؛ یعنی مجھول به طور ناگهانی برای شخص معلوم شده و به حکم و علت حکم توأمًا جزم حاصل می‌شود. حدس مانند تجربه محتاج به احساس قبلی است، اما گاهی پس از یک احساس حاصل می‌شود؛ مثل آنکه از مشاهده سقوط جسم معینی به طور حدسی به وجود قوّه جاذبی پی برد و علم حاصل کرده‌اند. گاهی حدس دنباله چندین احساس مکرر به وجود می‌آید؛ مثل آنکه ماه در شب‌های متوالی با شکل‌های مختلف دیده شده و از مشاهدات مختلف و متکرر به حدس قوی علم حاصل می‌شود که دلیل اختلاف شکل اختلاف وضع ماه به زمین و خورشید است و نور ماه از آفتاب کسب شده است (صدرالمتألهين شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۵۸۷).

همان‌گونه که اشاره شد، استنباط گزاره‌های عام علوم انسانی از احکام تشریعی مبتنی بر حدس است و پژوهشگر با تسلط بر فقه و رشته‌ای خاص از علوم انسانی می‌تواند حدس صائبی داشته باشد، اما در عین حال مراحلی برای آن تصور می‌شود و طی این مراحل می‌تواند قوت استنباط حدسی را افزایش دهد. گفتی است پیمودن این مراحل در همه موارد به صورت تفصیلی لازم نیست، بلکه پژوهشگر باید تلاش کند از مفاد حدسی که زده است، با تجمعیق قرائی و تراکم ظنون اطمینان کسب کند.

مرحله نخست طرح مسئله است. مسئله ممکن است بامشاهدات بیرونی در ذهن پژوهشگر شکل بگیرد؛ برای مثال وقتی تعداد فقراء و مقدار اقلام تسعه در زکات را مقایسه می‌کند، این پرسش به ذهنش خطور می‌کند که آیا اقلام تعیین شده حکمی ثابت هستند یا به اقتضای شرایط اقتصادی تغییر می‌کنند. همچنین مطالعه هدفمند آموزه‌های اسلام در یک حوزه تخصصی علوم انسانی می‌تواند به تدریج مسئله‌ای در ذهن پژوهشگر پذید آورد و با پیگیری آن به استنباط گزاره توصیفی یا هنجاری علوم انسانی نائل شود. روش دیگر مسئله‌سازی مطالعه آثار دانشمندان غربی است؛ برای مثال در غرب درباره اینکه منابع طبیعی محدودیت دارد و انسان‌ها بالآخره برس دستیابی به منابع حیاتی به نزاع خواهند برخاست، بحث‌های زیادی مطرح شده است؛ از این رو او با مراجعه به منابع اسلامی از جمله احکام تشریعی می‌کوشد گزاره توصیفی مرتبط با این مسئله را استخراج کند. پس از طرح مسئله که همان پرسش اصلی است، پژوهشگر باید پرسش‌های فرعی متعددی را مطرح کند تا حواشی مسئله را بیشتر بشناسد؛ برای نمونه در مسئله زکات نقدین این پرسش‌ها می‌تواند در روشن شدن مسیر تحقیق به کار آید:

الف) مالیات‌های شرعی اعم از خمس و زکات از سنخ مالیات بر دارایی هستند یا مالیات بر ثروت یا مالیات سرانه؟

- ب) آیا محل مصرف مالیات‌های شرعی می‌تواند تعیین‌کننده ملاک و جوب آن‌ها باشد؟
- ج) آیا لازم است در تمامی اقلام تسعه ملاک واحدی برای وجوب زکات در نظر گرفته شود؟
- د) وجوب زکات بر قرض گیرنده درهم و دینار در صورت تحقق شرایط می‌تواند نشان‌دهنده ملاک مجزا برای وجوب زکات درهم و دینار باشد؟
- ه) رکود اقتصادی با معطل‌گذاشتن پول (کنز) چه ارتباطی دارد؟
- مرحله بعد موضوع‌شناسی عمیق است. در این مرحله، تخصص پژوهشگر در رشتۀ مرتبط با مسئله عمیقاً اثرگذار است. درک یک پدیدۀ اجتماعی که زیرمجموعۀ علوم اجتماعی است، هم با نگاه عامیانه امکان‌پذیر است و هم با نگاه تخصصی، اما گاهی نتایج نگاه تخصصی بسیار متفاوت از نگاه عامیانه است؛ برای مثال در موارد زیر برداشت عرفی و متخصصان به صورت قابل توجهی با هم متفاوت هستند: تورم،^۱ پول،^۲ مرگ،^۳ مالیات،^۴ کاهش ارزش پول،^۵ بازی‌گوشی کودکان،^۶ ماهی فلس‌دار^۷ و تراجنسيتی،^۸ با برداشت متخصصان از آن‌ها یکسان نیست. گاهی ممکن است

۱. به لحاظ ریاضی سطح عمومی قیمت‌ها و دستمزد همگن از درجه صفر هستند؛ یعنی اگر هر دو به یک نسبت تغییر کنند، علی‌القاعدۀ باید عرضه نیروی کار اضافه شود؛ با این حال طبق دیدگاه عمومی کیزی با افزایش هم‌زمان قیمت‌ها و به همان اندازه دستمزد‌ها عرضه نیروی کار اضافه می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد افراد غیرمتخصص درک درستی از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها ندارند (رحمانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۷).
۲. از نظر عرف پول یعنی اسکناس و مسکوک در حالی که از نظر متخصصان پول مراتب مختلفی دارد و براساس قدرت نقدشوندگی رتبه‌بندی می‌شود. اسکناس و مسکوک و حساب جاری دارای نقدشوندگی صدرصد هستند و حساب پس‌انداز و حساب سرمایه‌گذاری در مراتب بعدی قرار دارند. از نظر متخصصان پول و بانکداری کالاهای بادوام نیز در مراتب بعدی پول قرار می‌گیرند.
۳. از نظر پژوهشکان متخصص مرگ و حیات آدمی به مرگ و حیات مغز وابسته است؛ بنابراین کسانی که دچار مرگ مغزی شده‌اند، ولی قلیشان کار می‌کند و حیات نباتی دارند، از نگاه متخصصان مرده‌اند؛ در حالی که از نظر عرف حیات آدمی به تپش قلب است و مادامی که قلب می‌تپد شخص را زنده می‌پنداشد (خدادادی، بی‌تا، ص ۱۴۹).
۴. از نگاه بخش قابل توجهی از مردم مالیات هزینه‌ای است که دولت به دلیل قوه قاهره‌ای که دارد از مردم دریافت می‌کند؛ در حالی که از نظر کارشناسان و متخصصان مالیات عادله‌نه هزینه‌ای است که دولت در قبال خدمات عمومی مانند امنیت از مردم دریافت می‌کند.
۵. از نظر عرف کاهش ارزش پول اگر فاحش باشد، موجب حساسیت طلبکار می‌شود، اما از نظر متخصصان کمترین تغییر در ارزش پول در روابط اقتصادی بین افراد اثرگذار است و لحاظ می‌شود.
۶. بسیاری از مردم عدم تمرکز کودکان را ناشی از بازی‌گوشی می‌دانند؛ در حالی که متخصصان عوامل مختلفی را برای آن بر می‌شمرند از جمله بیش‌فعالی که اختلالی در یادگیری شمرده می‌شود و نوعی بیماری است.
۷. ماهی‌هایی وجود دارد که بسیاری از مردم آن‌ها را بدون فلس می‌پنداشند، ولی متخصصان شیلات آن‌ها را جزء ماهی‌های فلس‌دار می‌دانند؛ مانند برخی از کوسه‌ماهی‌ها و ماهی اوزون‌برون.
۸. بسیاری گمان می‌کنند افراد ترنس (تراجنسيتی‌ها) جنس سوم هستند؛ درحالی که از نگاه متخصصان آن‌ها نیز با مرد یا زن هستند و تنها تمایلات روحی آن‌هاست که ممکن است شبیه مردان یا زنان باشد و با تغییر ظاهر بدن خود را شبیه زنان یا مردان می‌کنند.

در برخی موارد نگاه عرفی موضوع حکم فقهی باشد نه نگاه متخصصان، ولی به هر حال این امر کلیت ندارد و در مواردی عکس قضیه حاکم است؛^۱ البته فقها برای استنباط حکم شرعی موضوعات مستحدثه گاهی به متخصصان رجوع می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند موضوع را تبیین کنند، اما این روش برای استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری از احکام تشریعی کارایی ندارد. پژوهشگر باید در رشتۀ مربوطه متخصص و صاحب‌نظر باشد تا بتواند گام‌های مؤثّری در استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری از احکام تشریعی بردارد. فقیه با اکتفا به اظهار نظر متخصصان توفیق چندانی در استنباط گزاره‌های توصیفی علوم انسانی در رشتۀ‌های متخصصی به دست نمی‌آورد.

توجه به مبانی اسلامی در استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی بسیار مهم است. در بسیاری از موارد منشأ اختلاف علوم انسانی - اسلامی و علوم انسانی رایج به مبانی هریک بر می‌گردد. مبانی، بنیادهای فکری و پایه‌ای هستند که اصول، قواعد و مسائل هر مکتب و نظامی براساس آن‌ها شکل می‌گیرند. مبانی در استنباط گزاره‌های توصیفی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. پژوهشگر اسلامی در مقام استنباط گزاره‌های توصیفی از احکام تشریعی باید از نقش مبانی اسلامی غافل باشد. فارغ از اینکه پژوهشگر، متخصص چه رشتۀ‌ای است، مبانی فلسفی استنباط گزاره‌های توصیفی که عبارت‌اند از مبانی معرفت‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی، مبانی الهیاتی، مبانی انسان‌شناختی و مبانی ارزش‌شناختی، نقشی کلیدی در استنباط گزاره‌های توصیفی دارند.

نمونه‌هایی از استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی

(الف) کنز‌پول سبب رکود اقتصادی است

حکم شرعی

براساس فوای قاطبه فقها زکات نقدین واجب است. نصاب آن در طلا ۲۰ دینار شرعی یعنی معادل ۱۵ دینار صیرفى است و مقدار زکات ۱۰ قیراط معادل نصف دینار شرعی یا سه هشتم دینار صیرفى است. نصاب بعدی ۲۴ دینار است که دو قیراط به ازای چهار دینار به مقدار زکات اضافه می‌شود.

۱. مثلاً اگر عرف کسی را مرده پنداشد، اما متخصصان معتقد به حیات او باشند، حکم به حیات او می‌شود (خدادادی، بی‌تا، ص، ۱۴۹).

نصاب نقره «دویست درهم است» و «زکات» در آن پنج درهم است و بعد از آن هرگاه «چهل درهم» اضافه شود، در آن یک درهم (زکات) است تا هر مبلغی که بر سد و در کمتر از دویست درهم چیزی (به عنوان زکات) نیست و همچنین است در کمتر از چهل درهم بعد از نصاب اول.

استباط گزاره توصیفی

۱. زکات نقدین از سخن مالیات بر درآمد یا ثروت نیست، بلکه جرمیه‌ای است بر نگهداری پول و برای جلوگیری از رکود جعل شده است؛ چون حتی اگر کسی درهم و دینار را قرض بگیرد و یک سال نگه دارد (کنز کند) زکات بر قرض گیرنده واجب است نه قرض دهنده؛ بنابراین می‌توان گفت «کنز پول سبب رکود اقتصادی» است و به همین دلیل شارع مقدس زکات نقدین را واجب کرده است.
۲. این استباط تنقیح مناطق را ساده خواهد کرد و می‌توان به کمک آن تکلیف زکات اسکناس را روشن کرد و گفت پرداخت زکات اختصاصی به درهم و دینار ندارد و کنز هر پولی که سبب رکود اقتصادی شود، زکات دارد.
۳. حتی می‌توان گفت بر همین اساس زکات نقدین مانع تحقق دام نقدینگی در اقتصاد اسلامی است.
۴. از آنجا که امروزه تقاضای پول (نگهداری و کنز پول) بسیار ناچیز است و بیشتر افراد پولشان در بانک در قالب سپرده جاری یا پس انداز است، موضوع جریم نیز منتفی است و تعمیم زکات نقدین به اسکناس بدون مناط است.

ب) بازارپول بازاری غیرمستقل و فرع بر بازار کالا و خدمات است حکم شرعی

براساس فتاوی فقهای ربا حرام است، اما در عین حال فروش نسیه به قیمتی بیش از قیمت نقدی جایز است. بیع دین نیز جایز است. حیله‌های ربا نیز فی الجمله تجویز شده است.

استباط گزاره توصیفی

۱. در غرب بازار پولی و بازار مالی دو بازار جدای از هم هستند و به وسیله بهره به هم مرتبط می‌شوند. در اسلام بازار پول یک بازار مستقل نیست، بلکه حاشیه بازار کالا و خدمات است؛ به عبارت دیگر دلالت التزامی «حرمت ربا»، «تجویز حیله‌های ربا» و «تجویز «گران‌بودن

بیع نسیه نسبت به بیع نقدی» (اللأجل قسط من الشمن) و «بیع دین» نشان می‌دهد شارع در صدد بوده است بخشن پولی اقتصاد را به حاشیه ببرد و پول تنها کنار بخشن واقعی اقتصاد و فرع بر آن نقش آفرینی کند.

۲. حرمت ربا به دلیل تبعات اقتصادی نامطلوب آن است و تنها مسئله‌ای حقوقی نیست تا بتوان با تغییر الفاظ و شکل ظاهری آن را دور زد.

ج) قیمت‌ها تابع عرضه و تقاضا هستند حکم شرعاً

۱. اصل اولی آن است که حاکم اسلامی نمی‌تواند برای کالاهای در معرض فروش قیمت تعیین کند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۹۵). در روایت نیز چنین آمده است: به پیامبر گفته شد کاش تعیین قیمت کنید، قیمت‌ها بالا و پایین می‌شود. حضرت فرمود: خدا را ملاقات نخواهم کرد با بدعتی که چیزی راجع به آن به من نفرموده است. بنده‌گان خدا را رها کنید تا برخی از برخی دیگر روزی بخورند (صدقه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۶۸).

۲. ممنوعیت احتکار در شش قلم کالا (گندم، جو، خرما، کشمش، روغن و زیتون) حرام است، اما جمع کردن مطلق آنچه مردم به آن نیاز دارند، امری نامطلوب است. در غیر آن شش مورد که ذکر شد، احکام احتکار ثابت نیست و باید شخص محترک به فروختن اجبار شود و بنا بر احتیاط قیمت برای او تعیین نشود، بلکه حق دارد به هر قیمت که می‌خواهد بفروشد؛ مگر آنکه اححاف کند؛ پس اورا مجبور می‌کنند که قیمت را پایین بیاورد - بدون آنکه برایش تعیین قیمت کنند - و اگر او تعیین قیمت نکرد، حاکم شرع قیمتی را که مصلحت می‌بیند، معین می‌کند (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰۱، مسئله ۲۳).

۳. در تعیین قیمت کالا برای فروش اختیار داشتن فروشنده است؛ مگر آنکه حاکم اسلامی مقرراتی وضع کرده باشد (خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۲، سؤال ۱۷۲).

۲۳

استنباط گزاره توصیفی

در مورد اینکه قیمت‌گذاری بر عهده کیست، اقتصاددانان کلاسیک معتقدند بازار باید تعیین کننده قیمت باشد. دست نامرئی که آدام اسمیت از آن سخن می‌گفت، در حقیقت همان بازار است که در آن با شکل‌گیری دو طرف عرضه و تقاضا قیمت‌ها تعیین می‌شود. از احکام شرعی مورد اشاره می‌توان حدس زد در اسلام نیز تعیین قیمت کالا به بازار و عرضه و تقاضا سپرده شده است و در

مواردی مانند احتکار نیز تعیین قیمت با همان شرایط و مراتب که اشاره شد، حکمی خلاف اصل است که شارع به جهت ضرورت تجویز کرده است.

د) انواع مالیات در اسلام عبارت‌اند از: مالیات بر درآمد خالص، مالیات بر پس‌انداز، مالیات سرانه، مالیات بهره‌برداری از امکانات طبیعی، مالیات جریمه‌ای و مالیات صلحی
حکم شرعی

۱. زکات غلات اربعه واجب است.
۲. خمس معدن، گنج، غنیمت، چیزی که با غواصی از دریا بیرون می‌آورند و همچنین خمس ارباح مکاسب بعد از کسر مؤونه فرارسیدن سال خمسی واجب است.
۳. در روز عید فطر بر هر مکلفی واجب است زکات فطره خود و خانواده خود را براساس شرایطی که در رساله‌ها آمده است، پرداخت کند.
۴. زکات غلات اربعه که با آب جاری و باران آبیاری می‌شوند، واجب است.
۵. مصرف چیزی که خارج از سطح نیازهای متعارف باشد، مصدق اسراف بوده و پرداخت خمس آن واجب است.

استنباط گزاره‌های توصیفی

انواع پرداخت‌های واجب مالی از جهت مبنای مالیاتی بهصورت زیر متصور می‌شود:

۱. مالیات بر درآمد خالص (زکات غلات اربعه که با آب چاه آبیاری شده‌اند).
۲. مالیات بر پس‌انداز (خمس مزاد بر مؤونه ارباح مکاسب)
۳. مالیات سرانه (زکات فطره، جزیه)
۴. مالیات بهره‌برداری از امکانات طبیعی (زکات غلات اربعه آبیاری شده با آب جاری و باران، خمس معدن، آنچه با غواصی به دست آمده، گنج، غنیمت، زکات انعام ثلاثه)
۵. مالیات بر مصرف (اگر فرد کالایی را مصرف کند که خارج از نیازهای واقعی او باشد، باید خمس آن کالا را پردازد).
۶. مالیات صلحی (خمس مال حلال مخلوط به حرام)
۷. مالیات جریمه‌ای (زکات نقدین، خمس زمینی که ذمی از مسلمان می‌خرد، کفارات مالی افطار عمدى روزه، حنث نذر و عهد و قسم، کفارة قتل و بقیه کفارات مالی)

اعتبارسنجی (حجیت) روش استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری از احکام تشریعی

همان‌گونه که اشاره شد، استنباط گزاره‌های توصیفی و هنجاری علوم انسانی از احکام تشریعی مبتنی بر حدس است. درباره اعتبار نتایج حاصل از چنین حدسی می‌توان از بحث‌های مربوط به اعتبارسنجی روش کشفی شهید صدر استفاده کرد. چه آنکه نتایج حاصل از این دورش تقریباً مشابه هم هستند. مرحوم تсхیری معتقد بود روش کشفی، نیازمند حجیت به معنایی که در فقه گفته شده، نیست (تسخیری، ۱۳۸۲، ص ۱۹). از نظر وی، اقتصاد اسلامی به دنبال بیان وظيفة افراد در مقام عمل نیست تا بحث از حجیت لازم باشد؛ محقق اقتصاد اسلامی به دنبال کشف سیستم و نظام است و کشف سیستم متوقف بر حجیت نیست. همین مقدار که ثابت شود سیستم مکشوف در چارچوب اسلام است، کفایت می‌کند. با توجه به اینکه فتاوی استفاده شده در کشف سیستم از طریق اجتهاد صحیح استنباط شده‌اند و انسجام و هماهنگی دارند، ولی امر می‌تواند زیرینا را از آن‌ها کشف کرده، آن را به اسلام نسبت دهد. در مواردی که ولی امر از فتاوی خودش برای کشف سیستم استفاده می‌کند، حجیت آن برای خود و مقلدانش محفوظ است و در مواردی که از فتاوی سایر فقهاء استفاده می‌کند، به این دلیل که مصلحت جامعه را در عمل به این سیستم می‌بیند، با استفاده از حکم ولایی که حکمی ابداعی و ایجادی است و کاشفیتی ندارد، دستور مبنای قرارگرفتن سیستم به دست آمده را برای امور اجرایی صادر می‌کند؛ بنابراین قاعده‌ای که به عنوان زیرینا کشف می‌شود، نه برای مجتهد حجت است و نه برای ولی امر، اما ولی امر می‌تواند براساس مصلحت جامعه، آن را به منزله روش مطرح کند؛ از این‌رو باید بین حجیت و احکام ولایی فرق گذاشت (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۶۸)؛ بر همین اساس درباره گزاره‌های توصیفی و هنجاری استنباط‌شده از احکام تشریعی نیز می‌توان گفت نیازمند به اثبات حجیت نیست؛ چون مرتبط با عمل مکلفان نیست.

به نظر می‌رسد ادعای ایشان هم درباره روش کشفی و هم روش حدسی که برای استنباط گزاره‌های علوم انسانی ارائه شد، قابل التزام نباشد. اگرچه نتایج حاصل از این دورش ربطی به عمل مکلفان ندارد، در آن، انتساب مطلبی به اسلام و دین وجود دارد و اگر اعتبار و حجیت روش استفاده شده در کشف یا استنباط اثبات نشود، نمی‌توان نتایج حاصل را به دین اسلام و شارع مقدس منسوب کرد؛ از این‌رو برخی محققان در صدد اثبات حجیت روش کشفی شهید صدر براساس مبانی مختلف برآمده‌اند. از آنجا که این مبانی را می‌توان بر روش حدسی اشاره شده تطبیق داد، در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. دلالت التزامی احکام برگزاره‌های علوم انسانی

دلالت لفظی به سه بخش مطابقی، تضمنی و التزامی تقسیم می‌شود و از نظر عرف، هر سه بخش از حجیت برخوردارند. دلالت لفظی بر معنایی خارج از معنای موضوع له، دلالت التزامی نامیده می‌شود (رازی، ۱۳۸۴، ص ۸۲). شرط دلالت التزامی آن است که بین مدلول التزامی و مدلول مطابقی لفظ، لزوم ذهنی برقرار باشد (همان، ص ۸۹). گاهی لزوم ذهنی صریح و آشکار است و گاهی نیز از وضوح کمتری برخوردار بوده و نیاز به تبیین بیشتر و تجمیع قراین عدیده دارد.

استفاده از مدلول التزامی برای استنباط احکام در فقه متعارف نیز به وفور مشاهده می‌شود. دلالت جمله شرطیه بر مفهوم، دلالت امر به شیء بر وجوب عقلی و شرعی مقدمه آن و کشف رأی معصوم از اجماع، همگی از این نوع دلالت هستند (صدر، ۱۹۹۶، ج ۳، ص ۶۴؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۱۱۸ و ۱۰۸). تأویل قرآن نیز براساس یک دیدگاه، به کشف مدلول التزامی آیات الهی تفسیر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۸؛ غفوری، ۱۴۲۱ ق، صص ۱۵۴-۱۵۵).

نظریه اقتصاد اسلامی که از مجموعه احکام منسجم به دست می‌آید، در حقیقت مدلول التزامی آن مجموعه است؛ چراکه محقق اقتصاد اسلامی با تأمل در ادله شرعی، بررسی تحلیلی آن‌ها و با نگاه سیستمی، نظریه اقتصادی را کشف کرده است. این نظریات از سنخ مدلول مطابقی یا تضمنی نیستند، بلکه مدلول التزامی احکام گردآوری شده محسوب می‌شوند. مدلول التزامی نیز مانند مطابقی و تضمنی اعتبار دارد؛ البته کشف این دسته از مدلول‌های التزامی نیاز به تدبیر و تأمل بیشتری دارد و اثبات آن‌ها نیز محتاج استدلال و تبیین و توضیح وافر است؛ زیرا گذشت زمان و دوری از عصر تشریع سبب خفای بیش از پیش آن‌ها شده و چه‌بسا برای معاصران تشریع، امری روشن و آشکار بوده است (صدر، ۱۴۲۱ ق، ب، ص ۴۱).

در استدلال به مذاق شرع برای اثبات حکم شرعی نیز به همین‌گونه عمل می‌شود؛ یعنی فقیهه بررسی مدلول التزامی دسته‌ای از احکام، به مذاق شرع دست می‌یابد و براساس آن، حکم خاصی را استنباط می‌کند (خویی، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۲۶).

۲. ظهور مجموعی احکام در قالب گزاره‌های علوم انسانی

از جمله طرح‌های پیشنهادی برای اثبات حجیت نظریه به دست آمده از روش کشفي، طرح ظهور مجموعی است. توضیح آنکه حجیت ظهور در خطاب‌های شرعی، فی الجمله مورد پذیرش

اصلی‌هاست (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۸۱). ظهور لفظی نیز دونوع است: ظهور مقطعی و ظهور مجموعی. ظهور مقطعی، ظاهر عبارت متکلم است که در یک گفتار متصل بیان شده است، اما ظهور مجموعی، ظاهر مستفاد از یک مجموعه گفتار است که حتی شاید در مجال‌های متعددی ابراز شده باشد. بررسی آموزه‌های اسلام نشان می‌دهد شارع گاهی مقصود خود را طی چندین مرحله به مخاطبان القا و بدین ترتیب آمادگی لازم برای دریافت حکم نهایی را در آن‌ها ایجاد می‌کرده است (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۱، ص ۶۸۴۷؛ نجفی، بی‌تا، ص ۴۱). توجه به مراحل تحریم شرب خمر، مراحل تحریم ربا و همچنین وجوب تدریجی فروع دین طی نبوت نبی مکرم اسلام گواه این مدعاست؛ بنابراین ممکن است از مجموعه گفتار شارع مطالبی را استبطاً کرد و به وی نسبت داد که ظاهر جمله یا عبارت خاصی نیست، اما در عین حال استنادشدنی به اوست. این نوع از ظهور نیز مانند قسم اول حجت است؛ به عبارت دیگر کلام هر متکلمی مشتمل بر دلالت تصویری و دلالت تصدیقی استعمالی و دلالت تصدیقی جدی است.

همان‌گونه که معمولاً خطاب‌ها به صورت انفرادی دلالت تصدیقی جدی بر مراد متکلم دارند، مجموع خطاب نیز می‌تواند دلالت تصدیقی جدی بر مراد متکلم داشته باشد و حتی شاید بتوان آن را در عرض دلالت مطابقی، تضمنی و التزامی- دلالت چهارمی در کلام متکلم دانست (غفوری، ۱۴۲۱ق، ص ۱۵۴). مؤید این سخن، اعتقاد فقهاء و مفسران درباره کتاب و سنت است که آن‌ها را مجموعه‌ای متحده می‌دانند که بعضی، برخی دیگر را تفسیر می‌کنند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸؛ نجفی، بی‌تا، ص ۶۷؛ قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۰).

۳. حجت گزاره‌های علوم انسانی بر مبنای انسداد باب علم

برخی معتقدند تنها راه تصحیح روش کشفی، تمسک به مقدمات دلیل انسداد درباره نظریات اقتصاد اسلامی است (یوسفی، ۱۳۸۴). به تصریح شهید صدر کشف نظریات اساسی با استفاده از نصوص و منابع استبطاً به روش متعارف اجتهاد مشکل بوده و با بن‌بست مواجه می‌شود (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۴۶۱). از سوی دیگر در عصر حاضر دستیابی به نظریات اسلام در عرصه‌های مختلف حیات بشری به ضرورت تبدیل شده است؛ چراکه حکومت اسلامی در سیاست‌گذاری‌های کلان و در پیش گرفتن روش‌های اجرایی که به اهداف عالی اسلام نزدیک‌تر باشد، نیازمند آگاهی از نظریات اقتصاد اسلامی است؛ بنابراین ولی فقیه با بهکارگیری مطلق ظنون و از جمله استفاده از فتوای سایر فقهاء این نظریات را کشف می‌کند.

۴. اعتبار گزاره‌های علوم انسانی بر مبنای تراکم ظنون

گاهی ممکن است با تراکم ظنون ضعیف و تجمیع قرائین (که هر یک به تنهایی برای اثبات مدعای کافی نیستند، اما از مجموع آن‌ها علم یا اطمینان یا لاقل ظن قوی شکل می‌گیرد) معرفت شکل گرفته از یک گزاره توصیفی است بنا بر این است تراکم ظنون را در مقامهای تراکم ظنون را به بحث گذاشته است.

آسیب‌شناسی استباط گزاره‌های علوم انسانی از احکام تشریعی
برخی از آسیب‌ها و خطراتی که متوجه استباط گزاره‌های علوم انسانی از احکام تشریعی هستند، عبارت اند از:

الف) توجیه واقعیت بیرونی

گاهی پژوهشگر در صدد توجیه واقعیت موجود بیرونی است و به این منظور سعی می‌کند نصوص روایی و قرآن را توجیه کند؛ برای مثال به منظور توجیه بهره‌بانکی که معمولاً نرخ پایینی دارد، استدلال می‌کند قرآن ربایی را حرام کرده است که فاحش باشد، اما اگر نرخ آن کم باشد، حرام نیست؛ در حالی که اگر آیات دیگر مثل «فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) را می‌خواند، می‌فهمید ربا مطلقاً حرام است و آیه مشتمل بر عبارت اضعافاً مضاعفه در صدد بیان قید احترازی نیست، بلکه واقعیت و حقیقت ربا را نشان می‌دهد.

ب) گنجاندن نص در چارچوبی خاص

برای مثال ممکن است پژوهشگر مالکیت خصوصی را بدون قید و شرط معتبر بداند؛ در این صورت روایتی را که می‌گوید اگر مالک تاسه سال بدون دلیل زمین را معطل گذاشت، از وی سلب مالکیت می‌شود و زمین به دیگری واگذار می‌شود، کنار می‌گذارد؛ چون در چارچوب خاصی که او از پیش ساخته نمی‌گنجد.

۲۸

ج) جداسازی دلیل شرعی از شرایط زمان صدور

مثالاً دلیلی که می‌گوید من احیا ارض امیتة فهی له مربوط به زمانی است که احیاء اراضی با دست انجام می‌شد، نه الان که با ماشین آلات کشاورزی می‌توان در طول یک روز صدها هکتار از اراضی موات را احیا کرد.

د) پیش‌داوری در برابر نص

مثلاً کسی که معتقد باشد تمامی اوامر و نواهی شرع دائمی است، گمان می‌کند روایتی که از فروشن مازاد آب و روییدنی نهی کرده حکمی دائمی است؛ درحالی که این پیش‌داوری در برابر نص است.

ه) خطر قیاس و استحسان

از جمله خطرات پیش روی پژوهشگر در استنباط گزاره‌های توصیفی از احکام شرعی افتادن در دامن قیاس و استحسان و بقیه ظنون نامعتبر است؛ از این رو پیشنهاد آن است به مبانی تراکم ظنون توجه شود تا با استفاده از آن نسبت به نتیجه استنباط اطمینان کافی کسب شود.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر اثبات شد شکل‌گیری علوم انسانی - اسلامی متوقف بر آن است تا محققانی تربیت شوند که هم در دانش فقه درجه اجتهاد را کسب کرده و هم در دانش اقتصاد مراتب عالی دانشگاهی را گذرانده باشند. چنین محققانی می‌توانند با بررسی احکام شرعی مربوط به حوزه اقتصاد و کشف ریشه‌های اقتصادی آن‌ها، گزاره‌های توصیفی و هنجاری همگن با علوم انسانی را استنباط کنند و زبان احکام شرعی را به زبان علوم انسانی - اسلامی تبدیل کنند. در ضمن مثال‌های که در متن مقاله خواندیم، اثبات شد که مدلول التزامی برخی از احکام شرعی دقیقاً می‌تواند در قالب گزاره‌های اقتصاد اسلامی ارائه شود. با به کارگیری این روش می‌توان امیدوار بود علوم انسانی - اسلامی به تدریج شکل بگیرد و تکامل یابد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.

۲. ابراهیمی، حسین؛ جهانی مقدم، محمدکریم ۱۳۷۹. «بررسی اثر ماه رمضان بر مراجعین صرعی». خلاصه مقالات هماشی تحقيقيات علوم پزشکی در اسلام. سوم تا پنجم آبان. کرمان.
۳. احسانی، محمد بن علی. ۱۴۰۵ ق. عوالی الثنالی العزیزیة. جلد ۱. قم: دار سیدالشهدا للنشر.
۴. آخوند خراسانی، ملا محمدکاظم. ۱۴۰۹ ق. کفايةالأصول. تهران: مؤسسه آل‌البیت.
۵. بدربی، تحسین. ۱۴۲۸ ق. معجم مفردات أصول الفقه المقارن. چاپ اول. تهران: المشرق للثقافة و النشر.
۶. بلاگ، مارک. ۱۳۸۰. روش‌شناسی علم اقتصاد. ترجمه غلامرضا آزاد (ارمنکی). چاپ اول. تهران: نشر نی.
۷. بهمن پوری، عبدالله؛ نظری، نجمه. ۱۳۹۷. «تحلیل فقهی پزشکی علل حرمت شرب خمر». فقه پزشکی. دوره دهم. شماره ۳۴ و ۳۵. صص ۶۳-۴۷.
۸. جوادی، محسن. ۱۳۷۵. مسئله باید و هست (بحثی در رابطه با ارزش و واقع). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۹. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۴. «علوم انسانی، چیستی ساحت‌ها و فرایندهای تحول در آن». تحقیقات بنیادین علوم انسانی. سال اول. شماره ۱. صص ۳۳-۷.
۱۰. خطیبی، مهدی. ۱۳۹۶. «روش‌شناسی استنباط حکم شرعی». عیار پژوهش در علوم انسانی. شماره ۱ (پیاپی ۱۵). صص ۲۲-۵.
۱۱. خطیبی، مهدی. ۱۳۹۹. «واژه‌شناسی تبعد در ابواب معاملات». معرفت. سال بیست و نهم. شماره ۲۷۲. صص ۴۸-۳۵.
۱۲. خمینی، روح الله. ۱۴۲۲ ق. استفتائات. جلد ۲. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. ———. بی‌تا، الف. تحریر الوسیلة. چاپ اول. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۴. ———. بی‌تا، ب. کتاب البیع. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. خوبی، ابوالقاسم. ۱۴۱۸ ق. التتفیح فی شرح العروة الوثقی (الاجتہاد و التقليد). چاپ اول. قم: بی‌نا.
۱۶. دادگر، یدالله. ۱۳۸۴. درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد. چاپ اول. تهران نشر نی.

۱۷. رازی، قطب الدین. ۱۳۸۴. تحریر القواعد المنطقية في شرح الرسالة الشمسية. چاپ دوم. قم: انتشارات بیدار.
۱۸. راوندی، قطب الدین. ۱۴۰۷ ق. الدعوات. قم: انتشارات مدرسة امام مهدی (عج).
۱۹. رحمانی، تیمور. ۱۳۹۱. اقتصاد کلان. جلد ۲. چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات برادران.
۲۰. شبیری زنجانی، سید موسی. ۱۴۱۹ ق. کتاب نکاح. چاپ اول. قم: مؤسسه پژوهشی رأی برداز.
۲۱. صدر، سید محمد باقر. ۱۴۲۱ ق، الف. الاسلام يقود الحياة (موسوعة الشهید الصدر) ۵). چاپ اول. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهید الصدر.
۲۲. —————. ۱۴۲۱ ق، ب. المدرسة القرآنية (موسوعة الشهید الصدر) ۱۹). چاپ اول. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهید الصدر.
۲۳. —————. ۱۴۲۴ ق. اقتصادنا (موسوعة الشهید الصدر) ۳). چاپ اول. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهید الصدر.
۲۴. —————. ۱۹۹۶. بحوث في علم الأصول. تحریر السيد محمود الهاشمی. جلد ۳. چاپ سوم. قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی.
۲۵. صدر، فخرالدین؛ افشار، محمد؛ سربلاوکی، شکوه. ۱۳۸۰. «تأثیر روزه‌داری بر قند، لیپید، وزن و فشارخون بیماران دیابتی تیپ ۲». غدد درون‌ریز و متابولیسم ایران. دوره سوم. صص ۱۸-۱۸.
۲۶. صدرالمتألهین شیرازی، محمد. ۱۳۶۲. شرح اللمعات المشرقية في الفنون المنطقية (منطق نوین مشتمل بر اللمعات المشرقية في الفنون المنطقية). تهران: آگاه.
۲۷. صدقوق، محمد بن علی. ۱۴۱۳ ق. من لا يحضره الفقيه. جلد ۳. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیہ قم.
۲۸. طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷ ق. المیزان فی تفسیر القرآن. جلد ۱. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیہ قم.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن. ۱۳۸۷ ق. المبسوط فی فقہ الإمامیه. جلد ۲. چاپ سوم. تهران: المکتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۳۰. غفوری، خالد. ۱۴۲۱ ق. «فقه النظرية لدى الشهید الصدر». فقه أهل البيت. دوره بیستم. صص ۱۲۳-۲۰۴.
۳۱. خدادادی، غلامحسین بی‌تا. احکام پزشکان و بیماران. مطابق با فتوای مرجع عالی قدر فاضل لنکرانی. نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲.

٣٢. فاضل لنکرانی، محمد. بی‌تا. جامع المسائل. چاپ یازدهم، قم: انتشارات امیر قلم.
٣٣. تسخیری، محمدعلی. ۱۳۸۲. «شیوه شهید صدر در ساخت مکتب اقتصادی اسلام و پاسخ به منتقدان». اقتصاد اسلامی. دوره سوم. شماره ۱۰. صص ۹-۲۲.
٣٤. مصباح‌یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۷. «رابطه ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی». مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه و بومی و اسلامی کردن علوم انسانی. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
٣٥. ———. ۱۳۷۳. ترجمه و شرح برهان شفاء. تهران: امیرکبیر.
٣٦. مظفر، محمدرضا. ۱۳۷۵. أصول الفقه. جلد ۱. چاپ پنجم. قم: انتشارات اسماعیلیان.
٣٧. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی. ۱۳۸۵. ق. دعائیم الاسلام. جلد ۱. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام).
٣٨. مکارم‌شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه. جلد ۲. چاپ اول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
٣٩. مکلاپ، فریتز. ۱۳۸۱. «اقتصاد اثباتی و دستوری». نامه مفید. ترجمه‌ی دالله دادگر و محمدتقی نظرپور. شماره ۳۱. صص ۱۵۱-۱۸۴.
٤٠. قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن. ۱۴۱۳. ق. جامع الشتات فی أوجبة السؤالات. چاپ اول. تهران: مؤسسه کیهان.
٤١. نجفی، محمدحسن. بی‌تا. جواهر الكلام فی شرح شرایع الاسلام. جلد ۳ چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٤٢. نجفی، عباس بن علی. بی‌تا. المعاملات المصرفیه. نرم افزار جامع فقه اهل‌البیت ۲. بی‌جا: مؤسسه کاشف‌الغطا.
٤٣. یوسفی، احمدعلی. ۱۳۷۹. ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی (مصاحبه). چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
٤٤. ———. ۱۳۸۴. «تفسیر نظریه شهید صدر در باب کشف مذهب اقتصادی مطابق با مبانی فقه شیعه». فقه و حقوق. دوره دوم. شماره ۵. صص ۸۷-۱۰۶.